

## فصل پانزدهم. اصل مراقبت، نظارت و باغبانی از ایمان کودکان

نصیحت کردن چون برق است هر قدر نرم‌تر بیارد بیشتر می‌ماند و در مغز بیشتر فرو می‌رود.

فرزندان ما همیشه بر طبق ایمان و فطرت توحیدی عمل نمی‌کنند؛ بلکه گاهی بخاطر تنبلی و کاهلی، گاهی بخاطر وسوسه و اغفال، گاهی از روی علم و عمد، و به دلایل دیگر کارهای ناشایست و خلاف ایمان از آن‌ها سر می‌زند. اگر والدین و معلمان مراقبت و نظارت جدی نکنند به تدریج ایمان آن‌ها دچار استهلاک خواهد شد. ایمان فرزندان، نیازمند باغبانی و مراقبت است.

در حقیقت این اصل ناظر به موانع گرایش و پایبندی کودکان و نوجوانان به توحید و ایمان است. موانعی از قبیل: ضعف ایمانی، ضعف اعتقادی، جهل و غفلت، ضعف اراده، لجاجت، تنبلی، تسویف (امروز و فردا کردن)، خجالت، هوسرانی، محیط گناه آلوده، رفتار نادرست دیگران و...

نکته حائز اهمیت، روش مراقبت و نظارت است. روش های رایج ما عبارت است از نصیحت کردن، تذکر دادن، توبیخ کردن، سرزنش کردن، گوشمالی دادن، کتک و تنبیه کردن، مقایسه کردن و تحقیر کردن. اما هیچ یک از این روش ها سازنده نیست. بهترین روش نظارت، روش باغبانی است. یک باغبان، از ابتدای بذرافشانی مراقبت می کند تا برداشت محصول و میوه. یک باغبان به هنگام، آبیاری می کند، به موقع رسیدگی می کند، در این بین اگر درختان و باغ او دچار آفاتی شود، ریشه یابی می کند، سم پاشی می کند. در اینجا روش های مراقبت باغبانانه را تبیین می کنیم:

#### ۱. روش تغافل و مصادیق آن

تغافل یعنی دیدن و نادیده گرفتن، شنیدن و نشنیده گرفتن، فهمیدن و خود را به نفهمیدن زدن. والدین از این روش کمتر استفاده می کنند ولی یکی از بهترین روش های تربیتی، تغافل است. مصادیق استفاده از روش تغافل عبارت است از:

۱. جایی که کودک برای اولین بار مرتکب یک خطایی شده است.
۲. جایی که می دانیم کار ناشایست و خطای فرزند یا دانش آموز از روی عمد و علم نبوده است بلکه از روی غفلت و نادانی و اشتباه بوده است. در این موارد نه تنها خطایش را به رخ نکشیم بلکه بکوشیم شناخت و آگاهی لازم در اختیار او قرار دهیم.
۳. در جایی که می دانیم فرزند یا دانش آموز از کرده خود پشیمان است و سعی در پوشاندن آن از دیگران دارد. یعنی او در اثر تنبلی، کاهلی، وسوسه، اغفال دیگران و به هر دلیل دیگر دچار ارتکاب آن عمل ناشایست شده است. در اینجا از روش تغافل استفاده می کنیم یعنی بدون اینکه او متوجه شود که ما خبر داریم، با بیان داستان مناسب، تذکر سازنده، حکایت ارزنده، زمینه روشن گری، تقویت ایمان و اعتقاد به خدا را در او فراهم می کنیم.
۴. در جایی که می دانیم فرزند یا دانش آموز، قصد تکرار عمل ناشایست را ندارد، بلکه به دلیل بودن در شرایط خاص مثل مهمانی، جمع بین دوستان، و... جوگیر شده است!

در این موارد نیز نباید مثل جایی که به عمد دچار خطا شده به او تذکر مستقیم داد؛ بلکه باید غیر مستقیم رفتار درست را برایش تبیین کنیم.<sup>[۱]</sup>

## ۲. اصلاح یا حذف ریشه خطا

باغبان وقتی متوجه می شود، آفتی به باغ او رسیده است، ریشه یابی می کند. یک مرتبی نیز باید چنین کند. آیا این خطای فرزند و دانش آموزم از کاهلی و روحیه تنبلی او سرچشمه می گیرد یا کم انگیزی او، یا مشاهده و الگوگیری از دوستان او، یا پدید آمدن یک شبهه در ذهن او. مرتبی با پیدا کردن ریشه خطا، خواهد توانست آن را حل و فصل کند.

## ۳. تذکر پدران، مادران و معلمان

مقصود از تذکر، به معنای سرزنش و نصیحت نیست؛ بلکه منظور این است که با زبان نرم و مهرآمیز، سخنان دلیز و نرم کننده‌ی قلب بیان شود. منظور تذکر خیرخواهانه و دلسوزی حکیمانه است. باید از سرزنش و نیز خشونت و برخورد تند و توهین آمیز پرهیز کرد. شخصی می گفت: من در دوران کودکی در یکی از مساجد مرتکب خطایی کودکانه شدم. متولی مسجد چنان برخورد خشن و ناشایستی با من کرد که بعد از چهل سال هنوز تلخی آن بر ذائقه ام سنگینی می کند و من به همین خاطر بهترین سال های جوانی را به آن مکان مقدس نرفتم. این به خاطر همان شیوه نادرست برخورد با خطای کودکان و نوجوانان است.